

دوفصلنامه «یافته‌های تفسیری»

سال اول • شماره دوم • خزان و زمستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) - افغانستان

مدیر مسئول: دکتر سید عبدالحمید ثابت

سرمدیر: دکتر سید عزت الله احمدی

مدیر اجرایی: محمدعلی نظری

ویراستار: محمدعلی نظری

طرح جلد: نسیم وکیلانی

صفحه‌آرایی: سید مهدی موسوی

هیأت تحریریه: دکتر احمد ذبیح افشاگر، دکتر سرور حسینی، دکتر سید عبدالله حسینی، دکتر نصرالله نظری،

دکتر محمدکریم امیری، دکتر عبدالقادر کمالی، دکتر سید عزت الله احمدی، دکتر سید عبدالله حسینی.

• دوفصلنامه «یافته‌های تفسیری»، مقالات صاحب‌نظران، پژوهشگران و دانش‌پژوهان علوم

تفسیر را برای نشر می‌پذیرد.

• مقالات، آرای نویسندگان آن‌ها است و لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه «یافته‌های تفسیری»

نمی‌باشد.

آدرس: کابل، کارته ۳، دهبوری، چهارراهی شهید، دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)، آمریت نشرات.

تلفن: ۰۷۸۵۱۱۵۶۷۴

ایمیل: qi.chiefeditor@miu.edu.af

قیمت: ۱۵۰ افغانی

شیوه‌نامه تنظیم مقاله علمی

ویژگی‌های مقاله علمی

۱. مقاله علمی دارای چکیده، کلیدواژه، مقدمه، ارجاع‌دهی، نتیجه‌گیری و منابع معتبر است.
۲. مقاله علمی، باید روشمند، مستند، تحلیلی، برخوردار از ساختار منطقی، دارای انسجام محتوا و قلم روان باشد.
۳. فایل مقاله در قالب «word»، ارائه گردد و حجم آن کمتر از ۴۰۰۰ کلمه و بیشتر از ۷۰۰۰ کلمه نباشد.

راهنمای تنظیم شکلی مقاله علمی

۴. قلم و فونت مقالات ارسالی باید از شیوه زیر تبعیت نماید:
۵. عنوان مقاله: با فونت B Nazanin 16 و بولد (پررنگ) (1 Heading با این فونت تعریف شود)، مؤلف یا مؤلفان با فونت B Nazanin 12 و بولد (پررنگ) (3 Heading با این فونت تعریف شود).
- در پاورقی همان صفحه اول این اطلاعات باید ذکر شود: عنوان و وظیفه مؤلف اول با ذکر وابستگی به دانشگاه محل تحصیل یا محل کار، شماره تماس و ایمیل (B Nazanin 10).
- اگر مقاله دو مؤلف یا بیشتر دارد: عنوان و وظیفه مؤلف دوم با ذکر وابستگی به دانشگاه محل تحصیل یا محل کار، شماره تماس و ایمیل.
۶. در متن اصلی تیترها و عناوین با فونت‌های زیر مشخص گردد:
- ✓ تیتر اصلی با فونت B Nazanin 14 و بولد (پررنگ) (2 Heading با این فونت تعریف شود)
- ✓ تیتر فرعی با فونت B Nazanin 12 و بولد (پررنگ) (3 Heading با این فونت تعریف شود)
- ✓ متن مقاله با فونت B Nazanin 13 معمولی تایپ شده باشد. (Normal با این فونت تعریف شود)

راهنمای تنظیم ساختاری مقاله علمی

۷. چکیده: عنوان چکیده با فونت B Nazanin 11 پررنگ. متن چکیده بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه و با فونت B Nazanin 11 معمولی. چکیده باید موضوع و هدف مقاله را به اختصار بیان کند، به روش و مهمترین یافته‌های تحقیق اشاره کند. در چکیده باید از جملات کامل خبری با افعال سوم شخص معلوم در زمان گذشته استفاده شود. از علائم اختصاری پرهیز شود. ذکر سابقه و اهمیت موضوع در این قسمت لازم نیست.
۸. واژگان کلیدی: حداقل ۵ و حداکثر ۷ واژه که به صورت ایتالیک (مورب) نوشته و با کامه از هم جدا شده باشند و در یک خط قرار گیرند. واژگان کلیدی باید با فونت (B Nazanin 10) ایتالیک باشند.
۹. مقدمه: به ترتیب به بیان مسئله، سوال‌ها (و در مواردی به فرضیه)، پیشینه، ضرورت، هدف و ارائه تصویر کلی از ساختار مقاله، می‌پردازد.
۱۰. بدنه مقاله: متنی است، دارای ساختار منطقی و متشکل از عناوین اصلی و فرعی و برخوردار از انسجام محتوایی که در آن، مدعا، استدلال، شواهد، تحلیل، استنتاج و مانند آن، آورده می‌شوند.
۱۱. نتیجه‌گیری: نتیجه متنی است که به دستاوردهای تحقیق که عبارتند از پاسخ به سوال‌های اصلی و فرعی و وضعیت فرضیه که اثبات یا رد گردیده، به صورت مختصر و به دور از عبارت‌پردازی، آورده می‌شود.
۱۲. ارجاع‌دهی در متن باید به صورت داخل متنی به شیوه APA باشد (مثال: مرادی، ۱۳۸۹، ص. ۵۴).
۱۳. منابع و مأخذ در پایان مقاله به شیوه APA ذکر شوند (مثال: کامکاری، کامبیز (۱۳۸۸)، توصیف آماری. تهران: انتشارات بال).

فهرست

- سخن سردبیر ۱
- کاربست اصول آینده پژوهی در تبیین آینده جهان از منظر قرآن کریم ۳
دکتر سید عزت الله احمدی
- صورت بندی مفهوم پیشرفت براساس آیات و روایات ۲۱
محمد علی نظری
- دولت اسلامی و خلق محیط اجتماعی فضیلت مدار ۵۱
رجب علی فهیمی بامیانی
- زبان قرآن از نگاه امام خمینی ۷۳
عبدالروف عالمی

سخن سردبیر

پیشرفت و توسعه علمی در هر جامعه‌ای مرهون تحقیق و پژوهش است. تحقیق و پژوهش نیز در هر جامعه‌ای زمانی رونق می‌گیرد که فرهنگ پژوهش و تحقیق در آن نهادینه گردیده باشد. نهادینه‌سازی فرهنگ تحقیق و تقویت روحیه پژوهش و نوآوری نیز از یک سوی در گروه ارزش نهادن به پژوهش و تحقیقات علمی است و از سوی دیگر وابسته به کاربردی و عملیاتی شدن حاصل تحقیقات و پژوهش‌های اندیشمندان است که در اختیار جویندگان علم و دانش قرار گیرد. از این رو، نشریات علمی - پژوهشی که نتایج پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده محققان و اندیشمندان را در قالب مقاله‌های علمی - پژوهشی منتشر می‌نمایند، یکی از ابزارهای مهم تولید و گسترش یافته‌های علمی در جهان محسوب گردیده و از شاخصه‌های مهم توسعه فرهنگی و میزان رشد و نهادینگی فرهنگ پژوهش و تحقیقات کشورها به‌شمار می‌رود.

دوفصلنامه «یافته‌های تفسیری» با این پندار در این مسیر گام نهاده است تا رهیافتی شود برای آنانی که می‌خواهند سهم خویش را در انجام پژوهش‌های تفسیری و نشر معارف قرآنی بجا آورند. به بیان دیگر دوفصلنامه یافته‌های تفسیری با بهره‌گیری از یافته‌های تحقیقی صاحب‌نظران و اندیشمندان می‌کوشد بستری فراهم نماید تا یافته‌های مرتبط با معارف قرآنی را در اختیار جویندگان آن قرار دهد تا زمینه نشر و گسترش آن‌ها را فراهم آورده و در مسیر نهادینه‌سازی فرهنگ تحقیق و پژوهش گام بردارد.

اکنون که با عنایت الهی و همت مرکز پژوهش و تحقیقات دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) - افغانستان فرصتی فراهم شد تا در دومین شماره این دوفصلنامه، یافته‌های پژوهشگران این عرصه را ذیل عناوین «کاربست اصول آینده‌پژوهی در تبیین جهان از منظر قرآن کریم»، «صورت‌بندی مفهوم پیشرفت بر اساس آیات و روایات»، «زبان قرآن از نگاه امام خمینی» و «دولت اسلامی و خلق محیط اجتماعی فضیلت‌مدار» به زیور طبع آراسته نموده و تقدیم جویندگان معارف

قرآنی نمائیم، ضمن دعوت از همه پژوهشگران عرصه تفسیر و معارف قرآنی که مقاله‌های پژوهشی خویش را بارویکرد تفسیری به آدرس این فصلنامه ارسال نمایند، از عزیزی که چکامه قلمی‌شان زینت‌بخش این شماره است صمیمانه سپاس‌گزاری می‌گردد.

دکتر سیدعزت‌الله احمدی

کاربست اصول آینده‌پژوهی در تبیین آینده جهان از منظر قرآن کریم

دکتر سید عزت‌الله احمدی^۱

چکیده

نوشتار حاضر در جهت پاسخ‌دهی به این پرسش اساسی سامان یافته است که آینده جهان از منظر قرآن کریم چگونه ارزیابی می‌شود. بدین منظور با استفاده از روش تفسیری-اکتشافی بر مبنای نظریه تصویرسازی، آیات ناظر به مسأله پژوهش را مورد بررسی قرار دادیم و در ضمن آن امکان کاربرست برخی اصول آینده‌پژوهی نیز در این مورد به آزمون گذاشته شد که در نهایت به این نتایج ختم گردید: نگاه قرآن نسبت به آینده جوامع بشری نگاه خوش‌بینانه است و اسلوب که قرآن در تحلیل آینده به کار گرفته از این ظرفیت و ظرافت برخوردار است که آن را در قالب اصول آینده‌پژوهی مثل رویدادشناسی و تحلیل روند نیز نشان داد.

واژگان کلیدی: آینده جهان، قرآن، آینده‌پژوهی، رویدادها، روندها، تحلیل روند.

مقدمه

آینده جهان و چگونگی پایان آن یکی از دغدغه‌های همیشگی بشریت بوده است به گونه‌ای که همواره کوشیده‌اند از راه‌های گوناگون به کشف این رمز و راز بپردازند؛ از این رو، یکی از مسائل مهم و اساسی در ادوار تاریخی زندگی بشر، پرسش از چگونگی پایان و سرانجام این عالم بوده است. طبیعتاً چنین پرسشی در ادیان مختلف بشری نیز از دیر باز تا کنون مطرح بوده است و هر کدام بر اساس اصول و ارزش‌های خاص خویش پاسخ‌هایی نیز به آن داده‌اند.

در این میان دین اسلام از این جهت که کامل‌ترین و آخرین دین الهی است که برای هدایت بشر ارائه گردیده از موقعیت و جایگاه خاصی برخوردار است که یقیناً می‌توان با مراجعه به متون و آموزه‌های آن، پرسش فوق را پاسخ داد. از آنجایی که قرآن کریم به مثابه محکم‌ترین و متقن‌ترین متن در دین اسلام مطرح است می‌توان پرسش فوق را به این کتاب مقدس ارائه نموده، با روش اکتشافی و تفسیری پاسخ آن را اصطیاد و استنتاج نمود.

بنابراین فرایند دستیابی به پاسخ این پرسش اساسی که آینده جهان از منظر قرآن کریم چگونه ارزیابی می‌شود؛ این گونه خواهد بود که به تعبیر امیرالمؤمنین علی^(ع) قرآن را به استنطاق در آورده و بارویکرد تفسیری آیات ناظر به مسأله مورد پژوهش را مورد تجزیه و تحلیل اکتشافی قرار دهیم. با توجه به این امر که در آیات متعدد قرآنی به شیوه‌ها و بیان‌های گوناگون به توصیف و تشریح آینده جهان اشاره شده است؛ فرضیه مورد آزمون عبارت است از این که به نظر می‌رسد قرآن کریم یک آینده روشن و امیدبخش را برای این عالم نوید داده است؛ به این معنا که به‌رغم ناهمواری‌های مسیر و فرازها و فرودهای که وجود دارد، دیدگاه قرآن نسبت به آینده جهان خوش‌بینانه است و چشم‌اندازی که برای آینده جهان و جامعه بشری ترسیم می‌کند چشم‌انداز روشن و آینده مطلوب است و آن جامعه آرمانی قرآن است که خورشید عدالت و حقیقت در آن طلوع نموده، در پرتو نور آن حاکمیت صالحان و نیکان شکل گرفته، و جامعه بشری به سرحد کمال نهائی خویش نائل می‌آید.

تأمل در رویکرد قرآن نسبت به آینده و شیوه خاص تبیینی آن، این گمانه را تقویت می‌نمود که برخی اصول آینده‌پژوهی با این اسلوب قرآن هم‌پوشانی داشته باشد؛ لذا در خلال تفسیر آیات مربوطه، امکان کاربست این اصول را در تبیین آینده جهان از منظر قرآن کریم نیز به محک

آزمایش گزارديم. بنابراین هرچند برای اطمینان به یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های مستند به قرآن، در حوزه درون دینی، اتقان و اعتبار دینی آن کافی است. اما علاوه بر آن، در حوزه اعتبار برون دینی نیز یافته‌ها و نتایج این پژوهش را می‌توان براساس روش آینده پژوهی و به خصوص براساس شناسایی و تحلیل روندها و رویدادها که در این روش مطرح است، نیز نشان داد. از این رو، در این نوشتار به طور مشخص با رویکرد تفسیری آیات ناظر به مسأله پژوهش را مورد تجزیه و تحلیل اکتشافی قرار داده، کار بست اصول آینده پژوهی را در خصوص تبیین آینده جهان از منظر قرآن کریم امکان سنجی می‌نمائیم.

چنین رویکردی علاوه بر آنکه می‌تواند دیدگاه اسلام و شارع مقدس را در زمینه مسأله پژوهش بنمایاند، در حوزه آینده پژوهی و برنامه ریزی‌های مدیریت کلان اجتماعی نیز از اهمیتی برخوردار خواهد بود؛ چراکه انسان‌ها در معبر زمان همواره به سوی آینده در حرکتند و پیامدهای هر اقدامی از سوی آنان عمده‌تاً در ظرف آینده تبلور می‌یابند؛ از این رو، نیازمند شناخت آینده و آگاهی از چگونگی علل و عوامل تأثیرگذار بر رخدادهای آینده هستند. اساساً آینده نگری در نگاه دینی از ویژگی‌های انسان هوشمند قلمداد شده است و در بیان جایگاه و اهمیت آن همین بیان امیرالمؤمنین علی^(ع) کافی است که فرمود: «چشم و دل انسان خرمند پایان کارش را می‌بیند و فراز و نشیب خویش را می‌شناسد.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۸، ج: ۱۶۴)

۱. پیشینه تحقیق

به طور کلی مطالعات آینده پژوهانه راجع به فرجام این عالم و آینده جهان در حوزه‌های مختلف جامعه شناسی، مدیریت، علوم سیاسی و... صورت گرفته است. در خصوص تبیین آینده جهان از منظر ادیان نیز پژوهش‌های مبسوطی صورت گرفته است که از جمله می‌توان به آینده جهان از دیدگاه ادیان، نوشته آیت مظفری (قنبری) در کنار دیگر آثار نگاشته شده راجع به این موضوع اشاره کرد.

ایشان در این اثر به بررسی و تحلیل نظریات ادیان مختلف؛ از جمله زرتشتی، یهودیت، مسیحیت و اسلام پیرامون آینده جهان پرداخته است. نامبرده علاوه بر طرح دیدگاه‌های مختلف در این کتاب به طور مشخص راجع به آینده جهان از منظر قرآن کریم نیز بررسی خوبی داشته

است. حد اقل فایده این قبیل پژوهش‌ها که هرکدام در جای خودش یقیناً ثمرات بسیار ارزشمند نیز به همراه داشته، این بوده است که آیات ناظر به آینده جهان را شناسایی و دسته‌بندی نموده، مسیر تحقیقات و پژوهش‌های بعدی را در این خصوص هموارتر نموده‌اند. از این‌رو، می‌توان مدعی شد که پژوهش‌های انجام گرفته با رویکرد آینده‌پژوهی مثل آینده‌پژوهی قرآنی و جایگاه مهدویت در آن، پژوهشی پیرامون آینده‌پژوهی در قرآن و روایات و بسیاری دیگر پژوهش‌های از این قبیل، مرهون همان دسته پژوهش‌های پیشین است.

اما آنچه این نوشتار را از پژوهش‌های قبلی تا حدودی متمایز می‌نماید کار بست متدولوژی متفاوت در آزمودن فرضیه مورد نظر است. از این‌رو، سعی بر آن است براساس اصول آینده‌پژوهی به ویژه با اتکا به شیوه‌ای روندشناسی و تحلیل روندها و رویدادها آیات ناظر به مسأله پژوهش را مورد مطالعات تفسیری و اکتشافی قرار داده فرضیه مورد نظر را به آزمون بگذاریم.

۲. مبانی نظری تحقیق

آینده‌پژوهی دانش بین‌رشته‌ای است که عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم به‌عنوان یک روش علمی در میان رشته‌های علمی پا به عرصه وجود گذاشت. برخی در تعریف آن گفته‌اند: «آینده‌پژوهی مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل، مرجح و دیدگاه‌ها و جهان بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین هر آینده است.» (سپیل، ۱۳۹۵: ۷)

به بیان دیگر آینده‌پژوهی مجموعه تلاش‌هایی است برای یافتن تصویری مستدل و منطقی از آینده که از طریق شناسایی رویدادها و روندها، علاوه بر تصویرسازی از آینده ممکن و محتمل، حالت مطلوب آن را نیز به تصویر کشیده، چگونگی دستیابی بدان را بیان می‌کند. به همین جهت نظریه تصویرسازی مبنای نظری این پژوهش را شکل می‌دهد. طبق این نظریه باورها از طریق تصاویر ساخته شده و عینیت می‌یابند و به نوبه خود چارچوب‌هایی را شکل می‌دهند که چگونگی تفسیر و معنا پیدا کردن حوادث پیرامون ما را مشخص می‌کنند. (مرادیان، ۱۳۸۸: ۸۲) و از همین طریق تصویرسازی بر نگرش‌ها اثر می‌گذارند و نگرش‌ها چگونگی رفتار را مشخص می‌نمایند.

رویدادها، حوادث و اتفاقاتی است که در زمان پیش یا پس از رویدادهای دیگر به وقوع

پیوسته و یا می‌پیوندند و پیوستار زمان گذشته، حال و آینده را تعریف می‌کنند.

روند در لغت به معنای طریقه، روش و رفتار است. (معین، ۱۳۸۵، ۱۶۹۴). برخی نیز در تعریف آن گفته‌اند: «مسیر یا گرایش کلی‌ای است که چیزی یا کسی ممکن است در امتداد یا راستای آن حرکت نماید.» (میرزایی، ۱۳۹۳، ۶۰۴)

به بیان دیگر روند عبارت است از تغییرات منظم، مستمر و یا دوره‌ای در پدیده‌ها در طول یک بازه زمانی؛ و منظور از تحلیل روندها و رویدادها، مطالعه یک رویداد و یا روند مشخص به منظور کشف ماهیت، علت‌های بروز، سرعت توسعه و پیامدهای بالقوه آن است. با استفاده از تحلیل روند می‌توان علل، سمت و سو و جهت تغییرات را شناسایی نموده آینده را تصویرسازی کرد. لذا روندشناسی و تحلیل روند در حوزه آینده‌پژوهی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تحلیل روند عمدتاً بر شناسایی رویدادهایی مبتنی است که در گذشته و حال اتفاق افتاده و در صورت امتداد، آینده مشخصی را به تصویر می‌کشد. چنین ابتدای به‌طور مشخص هم‌پوشانی با آن دسته از آیات قرآنی را نشان می‌دهد که انسان‌ها را به عبرت‌آموزی، تأمل و تفکر به سرانجام و سرنوشت نهایی دیگر افراد، اقوام، گروه‌ها و امت‌ها وامی‌دارند. خداوند متعال در آیات متعددی چگونگی اعمال و رفتار دیگر اقوام و امت‌های پیشین را شرح داده، سرنوشت محتوم تبهکاران را به عذاب‌های استثنایی و نابودی و سرانجام فلاح و رستگاری را برای صالحان و نیکوکاران، با هدف شناساندن رویدادها، بازگو نموده است؛^۱ تا با استفاده از تحلیل روند برای رسیدن به آینده مطلوب برنامه‌ریزی و اقدام نمایند.

ایجاد دغدغه نسبت به آینده و تأکیدهای مکرر و متعدد قرآن راجع به حوادث آینده، مثل وقوع قیامت و رخدادهای آن، در حقیقت معطوف به همین امر است که انسان‌ها را به تأمل به اعمال و رفتارشان واداشته در جهت طراحی آینده بهتر و رشد و بالندگی آنان سوق دهد. لذا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَالْتَّظَرُوا نَفْسَ مَا قَدَمْتُ لِعَدِّ...» (حشر: ۱۸) تأکید بر آینده‌نگری به گونه‌ای که انسان‌های متقی را ملزم به آینده‌نگری می‌کند، نشان می‌دهد که براساس نوع اعمال و رفتار انسان‌ها می‌شود آینده‌های متفاوتی را برایش ترسیم کرد. بنابراین

۱. وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَوْمٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ. (آیه، ۳۶ و ۳۷).

انسان‌ها نیازمند آینده‌نگری هستند و از منظر دین اسلام موظف اند که هم برای آینده کوتاه مدت و حیات در این دنیا و هم برای آینده درازمدت خویش و حیات پس از این عالم برنامه‌ریزی نموده، با آگاهی و شناخت برنامه ورود به آینده خویش را تنظیم نمایند. لذا در روایتی که از امام حسن مجتبی^(ع) نقل شده است که در آن برنامه‌ریزی زندگی آینده‌نگر را برای انسان‌های مؤمن این گونه توصیه نموده است که: «برای دنیای خود چنان کار کنید که گویا تا ابد زنده‌اید و برای آخرت خود چنان کار کنید که گویا فردا خواهید مرد». (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۴۶)

این حدیث و امثال آن در حقیقت اشاره‌ای دارد به اهمیت آینده‌نگری و نقش آن در رسیدن به آینده مطلوب و همین نکته غرض اصلی دانش آینده‌پژوهی را نیز تشکیل می‌دهد. زیرا هدف مهم آینده‌پژوهی شناخت و برنامه‌ریزی برای آینده و دستیابی به آینده مطلوب است که از طریق شناسایی رویدادها و تحلیل روند سعی می‌کند بدان هدف دست یابد.

از این منظر اگر بخواهیم نگاهی داشته باشیم به آیات قرآن، به طور کلی می‌توان گفت که در ادبیات قرآنی ذیل عناوین مختلف مثل عاقبت‌اندیشی، تدبیر، عبرت‌آموزی، حزم، بصیرت و دوراندیشی به آینده‌نگری ترغیب و تأکید شده است و در خلال همین تأکیدها و ترغیب‌ها رویدادهای گوناگونی نیز بیان شده و به تبع آن روندهای نیز مطرح و مورد تحلیل قرار گرفته است و در همین راستا می‌توان گفت، آنچه از او به سنت‌های الهی یاد می‌شود، در حقیقت گونه‌های از همان بیان رویداد و تحلیل روند است که در حوزه آینده‌پژوهی مطرح است. از این رو، نگارنده بر این باور است که شناخت عناصر و مؤلفه‌های که مجرای تحقق و جریان سنت‌های الهی قرار می‌گیرند، می‌تواند به مثابه روندشناسی و تحلیل روند در آینده‌پژوهی قرآنی مورد توجه قرار گرفته، آینده جهان را براساس آن تبیین نمود؛ که در ادامه جستار با استفاده از روش تفسیری-اکتشافی برخی از این مؤلفه‌ها را در ضمن آیات مربوطه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

۳. رویدادها و روندها در قرآن

خداوند متعال رویدادهای مختلف این عالم را از چگونگی خلقت آدم گرفته تا آفرینش آسمان و زمین، ستاره‌ها و سیارات و دیگر موجودات در آیات مختلف قرآن بیان نموده است. شاید شمارش این رویدادها در این مقام به دلیل واضح بودن آن‌ها چندان ضرورت نداشته باشد

اما نکته در خور تأمل ذکر جزئیات برخی حوادث و رخداد های است که قرآن کریم به مثابه یک رویداد مورد شناسایی قرار داده و با دقت و ظرافت خاصی بیان نموده است که در بحث آینده پژوهی چنین رویکردی از اهمیت خاصی برخوردار است. در خصوص روندها نیز خداوند در آیات متعددی، روندهای مختلفی را مورد شناسایی و تحلیل قرار داده است که به طور کلی می توان روندهای ذیل را از جمله آنها برشمرد:

روند حق و باطل. روند هدایت و دین داری، در برابر ضلالت و گمراهی، روند حاکمیت صالحان و نیکوکاران و وراثت آنان، در برابر مفسدان و بدکاران، روند خیر صلاح در برابر شر و فساد، روند علم و آگاهی، در برابر جهل و خرافات، روند تقوا و پاکی، در برابر رذالت و ناپاکی، روند عدالت و دادگری در برابر ظلم و ستمکاری. به خصوص با توجه به این نکته که در بسیاری از آیات با رویکرد آینده پژوهی این روندها مورد تحلیل قرار گرفته براساس آن آینده ای نیز تصویر سازی شده و انسان ها را نسبت بدان به تأمل واداشته است.

۳-۱. روند حق و باطل

خداوند متعال در آیات متعددی از دو جریان حق و باطل سخن به میان آورده است و در تمامی موارد از تقابل و رویارویی دائمی حق و باطل به مثابه یک روند دائمی سخن گفته است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و تا مرحله ای خاص نیز امتداد خواهد یافت و سرانجام قطعی و نهائی آن را براساس تحلیل روند این گونه تحلیل نموده است که حق بر باطل پیروز گشته، صلح و عدالت به جای ظلم و ستیز در سراسر جهان حکمفرما خواهد شد.

خداوند در قالب مثال های مختلف در آیات گوناگون دو جریان حق و باطل را در قرآن توصیف نموده است؛ از جمله در آیه ۱۷ سوره رعد در قالب تمثیل زیبایی این دو جریان و سرنوشت محتوم آنها را به آب و سرآب و کف روی آن تشبیه نموده است که حق مانند آب مایه حیات و زندگی بشر، ماندگار و پایدار است اما باطل مانند سرآب و کف روی آب ممکن است لحظاتی جلوه آب را بدهد و یا روی آن را بپوشاند اما دوام و بقا ندارد و سرانجام محوشدنی و ناپایدار است. (رعد: ۱۷). این به خاطر آن است که آنچه حقیقت دارد و هست حق است و باطل چیزی نیست تا هستی داشته باشد و اگر جلوه ای هم دارد در سایه حق است که خود را در چهره و قیافه حق جلوه می دهد و الا چیزی نیست تا ماندگاری داشته باشد. بر همین اساس

است که قرآن کل جریان و روند هستی را براساس حق می‌داند؛ لذا آن را اصیل و پایدار معرفی می‌کند و باطل را برخلاف این جریان معرفی نموده آن را نابود شدنی و فناپذیر می‌داند. به تعبیر دیگر، رمز ماندگاری جریان هستی حرکت آن بر مدار حق است و باطل چون برخلاف مدار هستی در حرکت است دوام و بقا ندارد «ان الباطل کان زهوقاً». (اسراء: ۸۱)

در جای دیگر خداوند در سوره انبیا ضمن تأکید بر هدفدار بودن نظام هستی و نفی بیهوده و باطل‌انگاری عالم خلقت، روند حرکت تاریخی بشر و سرانجام آن را این گونه بیان می‌کند: «بل نقذف به الحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق» ما حق را بر باطل می‌کوبیم و آن را نابود می‌سازیم. آنگاه است که خواهند دید که باطل پوچ و فناپذیر است. براساس این آیه پیروزی حق، اراده و خواست خداوند و جلوه‌ای از هدفداری نظام آفرینش است. (قرائتی، ۱۳۸۴، ۷: ۴۳۶) حکومت چند روزهی باطل، براساس سنت مهلت دادن الهی است و عاقبت از آن متقین و اهل حق است.

نمودهای حق و باطل را در قرآن کریم به‌طور کلی می‌توان به دو گروه و جبهه طبقه‌بندی نمود. یک گروه حق که به‌طور مشخص انبیاء، نیکوکاران و صالحان‌اند که در زمره این گروه قرار دارند و در ادبیات قرآنی از این گروه به حزب الله یاد شده و سرانجام این گروه را پیروزی نهایی و رستگاری نوید داده است. (مائده: ۵۶؛ مجادله: ۲۲)

گروه دوم گروه باطل هستند که تمام جریان‌های مقابل حق در این گروه قرار می‌گیرند و در قرآن از آن به حزب الشیطان یاد شده است. بر همین اساس قرآن کریم تاریخ بشر را عرصه نزاع این دو گروه حق و باطل دانسته، نمونه‌های از این رو، یارویی را در قالب بیان داستان‌هایی از سرگذشت پیامبران و مبارزات حق طلبانه آنان تصویرسازی نموده است. بدون شک هدف قرآن از این گونه تصویرسازی‌ها، قصه‌گویی و حکایت صرف وقایع تاریخی نبوده و نیست. آنچه ذکر این موضوعات را با غرض اصلی قرآن همسو نموده، معنا و مفهوم حقیقی می‌بخشد، رویکرد آینده‌نگر و رویدادشناسانه قرآن به این موضوعات است.

از همین روی خداوند متعال در مقام رویدادشناسی و برای شناساندن دو جریان حق و باطل نمونه‌های متعددی از مبارزه و مواجهه این دو جریان را با ذکر جزئیات در آیات متعددی مطرح نموده است. یکی از آن نمونه‌ها بیان سرگذشت موسی و مبارزه حق طلبانه آن با فرعون است که

با نگاه آینده پژوهی، موسی به عنوان نماد جریان حق و فرعون به عنوان نماد تمام نمای جریان باطل مورد شناسایی قرار گرفته است. (قصص: ۲)

در این ماجرا خداوند در آیاتی از سوره قصص با به تصویر کشیدن تلاش های بی نتیجه و سرانجام شکست و نابودی فرعون، به رغم برخورداری آن، از قدرت و توان برتر نسبت به موسی، خاطر نشان می کند که حق چگونه بر باطل غلبه می یابد. قصه تولد موسی و پرورش آن در خانه فرعون و چگونگی مبارزه آن، در حقیقت گونه ای از تصویرسازی تقابل حق و باطل است که خداوند با رویکرد رویداد شناسانه، در این آیات باز گو نموده است. دقت در شرایط نزول و وضعیتی که مسلمانان در آن ایام گرفتار آن بوده اند به درک و فهم پیام این قبیل آیات بیشتر کمک می نماید. هدف از ذکر جزئیات بسیار ریز داستان موسی و فرعون در این آیات، علاوه بر شناساندن دو جریان و رویداد حق و باطل، توجه دادن به این واقعیت است که به رغم برتری ظاهری باطل و شرایط بسیار سخت و دشواری که حق و حق گرایان ممکن است با آن روبرو باشند اما چشم انداز آینده از منظر قرآن نویدبخش فرجام خوشایندی پیروزی و غلبه حق بر باطل است که خداوند وعده آن را داده است. به تعبیر مفسر بزرگ علامه طباطبائی:

«به همین منظور [خداوند] این قسمت از داستان زندگی موسی و فرعون را خاطر نشان می سازد که موسی را در شرایطی خلق کرد که فرعون در اوج قدرت بود و بنی اسرائیل را خوار و زیر دست کرده بود که پسر بچه هایشان را می کشت و زنان شان را زنده می گذاشت. آری خداوند در چنین شرایطی موسی را آفرید و مهم تر آنکه او را در دامن دشمنش یعنی خود فرعون پرورش داد تا وقتی که به حد رشد رسید، آنگاه او را از شر فرعون نجات داد و از بین فرعونیان به سوی مدین روانه اش نمود و پس از مدتی به عنوان رسالت دوباره به سوی ایشان برگردانید، با معجزاتی آشکار تا آنکه فرعون و لشکریانش تا آخرین نفر را غرق کرده و بنی اسرائیل را وارث آنان نمود.» (طباطبائی،

۱۴۱۷، ۱۶: ۷)

نکته قابل تأمل در حکایت گری قرآن از این سنخ از وقایع تاریخی گذشته، تصویرسازی آن از آینده است که براساس یک تحلیل روندی صورت گرفته است که خود مبتنی بر حقیقت و ماهیت حق و باطل است و از این طریق به مؤمنین به اسلام نیز وعده داده است که عین همان

روند که در مورد موسی و یارانش در برابر فرعون و پیروانش تحقق یافته در مورد آنان نیز جریان خواهد یافت. باز به تعبیر علامه طباطبائی:

«غرض این سوره وعده جمیل به مؤمنین است. مؤمنینی که در مکه قبل از هجرت به مدینه عده اندکی بودند که مشرکین و فراعنه قریش ایشان را ضعیف و ناچیز می‌شمردند و اقلیتی که در مکه در بین این طاغیان در سخت‌ترین شرایط به سر می‌بردند و فتنه‌ها و شداید سختی را پشت سر می‌گذاشتند، خدای تعالی در این سوره به ایشان وعده می‌دهد که به زودی بر آنان منت نهاده و پیشوایان مردم قرارشان می‌دهد و آنان را وارث همین فراعنه می‌کند و در زمین مکنششان می‌دهد و به طاغیان قومشان آنچه را که از آن بیم داشتند نشان می‌دهد.» (همان، ۶)

بنابراین، کشف و شناخت این قبیل رویدادها و حوادث کمک می‌کند تا قوانین و قواعد کلی حاکم بر نظام هستی و عالم آفرینش را که در ادبیات قرآنی از او به سنت الهی تعبیر می‌شود، کشف نمائیم و با کشف چنین قوانین و قواعدی می‌توان مجاری تحقق و جریان آن‌ها را نیز شناسایی نمود که با توجه به مجموعه آیات ناظر به موضوع حق و باطل در می‌یابیم که یکی از قواعد کلی‌ای که قرآن مجید در آیات متعددی از آن سخن به میان آورده و سریان آن را برای همه ادوار تاریخ بشر گوشزد نموده، سنت غلبه حق بر باطل است.

براساس این سنت، همواره اهل حق و اهل باطل با هم درگیر می‌شوند و این درگیری سرانجام به غلبه حق و اهل حق بر باطل و اهل باطل منتهی می‌گردد. ذیل این قاعده کلی حاکم بر نظام هستی می‌توان با شناسایی رویدادها و حوادث گذشته و سیر امتداد آن، چشم‌انداز آینده را مشخص نمود. از همین رو، خداوند متعال در همان آغازین آیات سوره قصص که به شرح و بیان داستان موسی و فرعون پرداخته است به‌عنوان یک وعده و بشارت روند حاکمیت صالحان و راث آنان را بر زمین مطرح نموده است.

هرچند ظاهر این آیات برحسب سیاق آن مربوط به قوم بنی‌اسرائیل است اما در صورتی که این قبیل آیات را خارج از سیاق آن مد نظر قرارداد، تفسیر و تحلیل نمائیم می‌تواند مصداقی برای هر قوم و ملتی باشد که در چنین وضعیت و حالتی قرار دارند. به‌خصوص با توجه به این نکته که آیه در صدد بیان یکی از سنت‌های الهی است؛ لذا روند کلی حاکم بر نظام هستی را

مشخص می‌نماید.

۲-۳. روند حاکمیت و وراثت صالحان بر زمین

یکی دیگر از سنت‌های الهی که در آیات متعددی مطرح شده استخلاف، حاکمیت و وراثت مؤمنان و صالحان بر زمین است. با توجه به شیوه بیانی که در این آیات استفاده شده است علاوه بر این که سنت الهی مبنی بر حاکمیت صالحان را بیان می‌کنند، به گونه‌های مختلف براساس تحلیل روند، فرجام و سرنوشت تاریخ بشر را نیز بازگو می‌کنند. زیرا از یک سو خداوند در قالب وعده و بشارت، خبر از یک آینده قطعی و حتمی می‌دهد^۱ و از این طریق آن آینده مطلوب را تصویرسازی نموده است و از سوی دیگر، راه دستیابی به آن آینده مطلوب را نیز مشخص می‌نماید؛ لذا تحقق چنین وعده‌ای را همگانی و عمومی نمی‌داند؛ بلکه تنها برای عده‌ای خاص که بر طراز ایمان و عمل صالح زندگی‌شان را عیار نموده‌اند می‌داند. لذا می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».

(نور: ۵۵) خداوند به آنانی که از شما ایمان آورده و کارهای پسندیده انجام داده‌اند وعده می‌دهد که در روی زمین جانشین‌شان کند همان‌طور که پیشینیان را نیز جانشین کرد و دین‌شان را که برای آن‌ها پسندیده، مستقر سازد و بعد از نگرانی‌ها، ترس آنان را به امنیت مبدل خواهد نمود. مرا بندگی کنید هیچ چیز را شریک من قرار ندهید و اگر کسی بعد از این کافر شود، از گروه فاسقین است.»

در حقیقت جامعه موعود قرآن، یعنی حاکمیت صالحان و وراثت آنان بر زمین، تصویری از جامعه مطلوب آینده است که خداوند در آیات گوناگون به شیوه‌های مختلف آن را تصویرسازی نموده است و آنچه از منظر آینده‌پژوهی در این دسته از آیات قابل تأمل است این است که علاوه بر تصویرسازی که از آینده صورت گرفته، راه رسیدن به آن جامعه مطلوب را نیز مشخص نموده است. خداوند در این آیه جامعه مطلوب را این گونه به تصویر می‌کشد که در آن صالحان

۱ - «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)

حاکمیت یافته در پرتو آن استخلاف و وراثت مؤمنین بر زمین تحقق می‌یابد. در چنین جامعه‌ای دین الهی مستقر گشته، ترس و نگرانی‌ها به امنیت و عدالت مبدل خواهد شد. امیر المؤمنین علی^(ع) در بیان تصویرسازی از آینده مطلوب مورد نظر قرآن در ارتباط با این آیه که خداوند می‌فرماید: «و نرید ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم الائمّه و نجعلهم الوارثین...» می‌فرماید: دنیا پس از چموشی و سرکشی، همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش خودداری می‌کند و برای بچه‌اش نگه می‌دارد، به ما روی می‌آورد. (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۵۰۶)

تحلیل روند این دسته از آیات را این‌گونه می‌توان مطرح کرد که دو معیار داشتن ایمان و عمل صالح و نداشتن آن، انسان‌ها را به دو دسته و دو طیف تقسیم‌بندی می‌کند. آنانی که در مسیر ایمان، خیر و صلاح گام برداشته و حرکت می‌کنند و کسانی که در نقطه مقابل آن قرار دارند و بر خلاف ایمان و عمل صالح در حرکت‌اند. سیر تاریخی جوامع بشری نیز نشان می‌دهد که همین روند همواره در زندگی انسان‌ها جریان داشته است. از منظر قرآن کریم به‌طور مشخص امتداد هریک از دو جریان به نقطه مشخصی ختم می‌گردد؛ به این معنا که مشیت و اراده الهی بر این تعلق گرفته است که روند ایمان‌داری و عمل صالح به فلاح و رستگاری ختم گردد و روند بی‌ایمانی و فساد به خسران و تباهی منتهی گردد. از این‌رو، تصویرسازی از استخلاف مؤمنان و صالحان در آینده با عطف به نمونه‌های از آن در گذشته در واقع همان تحلیل روند است که راه رسیدن به آینده مطلوب را ترسیم می‌نماید. همان‌گونه که با حاکمیت بنی اسرائیل و زوال حاکمیت فرعون مشیت الهی در گذشته بر استخلاف وراثت صالحان و مؤمنان تحقق یافت، در آینده نیز اراده الهی بر این تعلق گرفته است که عیارسازی بر طراز ایمان و عمل صالح تنها راه دستیابی به آن جامعه مطلوب و موعود است. به همین جهت قبل از تصویرسازی آینده، ایمان و عمل صالح را خداوند در این آیه مطرح نموده است تا تذکار باشد به این نکته که رمز ورود به آن جامعه مطلوب عیارسازی زندگی بر طراز ایمان و عمل صالح است.

۳-۳. روند تقوا و تقوای پیشگی

از جمله آیاتی ناظر به آینده‌نگری و فرجام آینده در قرآن آن دسته از آیاتی است که بشارت‌دهنده فرجام نیک و خوشایند برای متقین و پرهیزگاران است. براساس این دسته از آیات به‌طور کلی

انسان‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند. انسان‌هایی که اهل سعادت‌اند و انسان‌هایی که اهل شقاوت؛ اهل سعادت آنهایی‌اند که در زندگی‌شان تقوا پیشه نموده خود را از آلودگی‌های گناه حفظ می‌نمایند و اهل شقاوت آنانی هستند که خود را به رذائل گناه و ناپاکی آلوده نموده‌اند. هرچند بسیاری از این آیات ممکن است ناظر به بحث آخرت باشند و به گونه ارتباط اعمال انسان را با عالم آخرت بیان می‌کنند. اما با توجه به صراحت برخی از آیات می‌توان گفت نگاهی به فرجام این دو جریان در این عالم نیز دارد از جمله در این آیه که خداوند از قول موسی برای بنی اسرائیل می‌فرماید: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ». (اعراف: ۱۲۸) علامه طباطبائی در المیزان ذیل تفسیر این آیه می‌فرماید:

«موسی (علیه السلام) در این جمله بنی اسرائیل را بر قیام و شورش علیه فرعون بر می‌انگیزد و آنان را به استمداد و استعانت از خدای تعالی در رسیدن به هدف که همان رهایی از اسارت و بندگی فرعون است توصیه می‌نماید و آنان را به صبر در برابر شدایدی که فرعون خط نشان آن را می‌کشد سفارش می‌کند. آری، صبر در برابر شداید راهنمای به سوی خیر و پشتتاز فرج و نجات است. موسی (علیه السلام) در آخر کلام خود با جمله (ان الارض لله یورثها من یشاء) تعلیل می‌کند و حاصل این تعلیل این است که: اگر من این نوید را می‌دهم برای این است که فرعون مالک زمین نیست تا آن را به هر کس بخواهد بدهد و از هر کس بخواهد بگیرد، بلکه زمین ملک خدای سبحان است، او است که به هر کس بخواهد ملک و سلطنت در زمین را می‌دهد و سنت او هم بر این جریان دارد که حسن عاقبت را به کسانی از بندگان خود اختصاص دهد که از او بترسند و از او حساب ببرند، بنابراین شما ای بنی اسرائیل! اگر تقوا پیشه کنید، یعنی از خدای تعالی استعانت جسته و در راه او در شداید صبر کنید خداوند این سرزمین را که امروز در دست فرعونیان است به دست شما خواهد سپرد.» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۸: ۲۲۹)

از منظر آینده‌پژوهی این رویکرد قرآنی اشاره به یک اصل اساسی و قاعده کلی دارد و آن این‌که، مشیت الهی بر این تعلق گرفته است که هرگاه مردم و جامعه‌ای توانایی‌های خود را در

مسیری به کار گیرند که از سوی خداوند تعیین شده و خواست خویش را با اراده ایجابی خداوند منطبق و همسو سازند که در آموزه‌های دینی از او به تقوا و پرهیزگاری یاد می‌شود، قابلیت دوام و بقا می‌یابند.^۱ لذا آینده روشن و فرجام نیک فراروی آن‌ها خواهد بود و در مقابل کسانی که توانایی‌های خود را نه در مسیری که خداوند خواسته است، بلکه در راستای هوا و هوس و تمنیات نفسانی خویش به کار می‌گیرند، سرانجام شومی خواهند داشت. با همین رویکرد آینده‌پژوهانه است که خداوند در آیه ۱۳۸ آل عمران هم به چگونگی تحقق سنت خویش در امت‌های پیشین اشاره نموده و هم سفارش به تأمل و دقت در مجاری تحقق آن نموده است. «قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین.» (آل عمران: ۱۳۷)

بنابراین، همانطوری که شناسایی و ارزیابی حالات ممکن آینده، اصلی‌ترین رکن روش‌های مختلف آینده‌پژوهی است، قرآن کریم نیز با معرفی سنت‌های الهی و به عنوان یک اصل و قاعده کلی حاکم بر نظام هستی و معرفی مجاری تحقق آن‌ها، شناخت آینده ممکن و مطلوب را برای مخاطبین خویش تسهیل نموده است و از این طریق کمک می‌کند تا هر کسی بتواند تصویر واضح‌تری از آینده‌ی مطلوب داشته و هر کسی وقتی بداند که چه آینده‌ای را برای خود می‌پسندد، می‌تواند با گام‌های مؤثرتری در جهت تحقق همان آینده‌ی مطلوب حرکت کند. از همین روی خداوند علاوه بر، تصویرسازی از آینده مطلوب در ضمن بیان سنت‌های حاکم بر نظام هستی، راه رسیدن به آن را نیز مشخص نموده است؛ چنانچه در آیات بعدی می‌فرماید: «هذا بیان للناس و هدی و موعظه للمتقین.» (آل عمران: ۱۳۸)

تحلیل روند آیات مربوط به سرانجام متقین از جمله آیه ۱۲۸ سوره اعراف را که قبلاً مطرح شده این گونه می‌توان مطرح نمود که در این آیه موسی علاوه بر چگونگی مقابله با فرعون شرایط پیروزی و غلبه بر دشمن را نیز مطرح نموده است. به قول برخی مفسرین: «این آیه در حقیقت، نقشه و برنامه‌ای است که موسی^(ع) به بنی اسرائیل برای مقابله با تهدیدهای فرعون، پیشنهاد می‌کند و شرائط پیروزی به دشمن را در آن تشریح می‌نماید و به آنها گوشزد می‌کند که اگر سه برنامه را عملی کنند قطعاً به دشمن پیروز خواهند شد نخست این که تکیه گاهشان تنها

۱ - ان تنصروا الله ینصرکم و ثبت اقدامکم. (محمد: ۷)

خدا باشد و از او یاری بطلبند (قال موسی لقومه استعینوا بالله) دیگر این که به آنها می‌گوید: استقامت و پایداری پیشه کنید و از تهدیدها و حملات دشمن نهراسید و از میدان بیرون نروید (و اصبروا) برای تأکید مطلب و ذکر دلیل، به آن‌ها گوشزد می‌کند که سراسر زمین از آن خدا است و مالک و فرمانروای مطلق او است و به هر کس از بندگان بخواند آن را منتقل می‌سازد (ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده) و آخرین شرط این است که تقوا را پیشه کنید، زیرا عاقبت پیروزمندان از آن پرهیزکاران است (و العاقبة للمتقین) این سه شرط که یکی از آن‌ها در زمینه عقیده (استعانت جستن از خدا) و دیگری در زمینه اخلاق (صبر و استقامت) و دیگری در زمینه عمل (تقوی و پرهیزکاری) تنها شرط پیروزی قوم بنی اسرائیل به دشمن نبود، بلکه هر قوم و ملتی بخواهند بر دشمنانشان پیروز شوند، بدون داشتن این برنامه سه ماده‌ای امکان ندارد [پیروز شوند]. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ۶: ۳۷۰)

نکته دیگری قابل تأمل در این دسته از آیات این است که خداوند در این آیه و آیات متعددی دیگر به طور مطلق یادآور می‌شود که آینده از آن متقیان است و اختصاص به هیچ قوم و امتی ندارد؛ لذا فهمیده می‌شود خداوند در این آیات در صدد بیان یکی دیگر از سنت‌های خویش است که به عنوان یک قاعده کلی بر تمام نظام هستی حاکم است و آن ماندگاری تقوا و تقوا پیشگی است. از این رو، هر قوم و امتی که خود را بر مدار این قاعده و قانون عیار نموده، خواست و اراده خود را با خواست و اراده الهی همسو کند مجرای تحقق این سنت الهی قرار گرفته قابلیت دوام و بقا پیدا می‌کند.

نتیجه‌گیری

هرچند با عنایت به مجموع آیات ناظر به بحث آینده در قرآن، می‌توان روندهای گوناگون را شناسایی و براساس آن آینده را تصویرسازی نمود. اما غرض اصلی این نوشتار دستیابی به پاسخ بود که پرسش اصلی پژوهش مطرح کرده بود. از این جهت آیات بررسی شده تا حدودی زیاد پاسخ مسأله مورد نظر را روشن نموده است و آن بشارت تحقق جامعه مطلوب است که به طور کلی نوع نگاه خوش‌بینانه قرآن نسبت به آینده جهان را نمایان کند.

بدین ترتیب فرضیه مطرح شده با عنایت به یافته‌های قرآنی براساس روش آینده‌پژوهی

مورد تأیید قرار می‌گیرد. علاوه بر آن، دقت در اسلوب و شیوه‌های دقیق که قرآن کریم برای تصویرسازی آینده به کار گرفته، نشان می‌دهد که روش قرآن کریم در خصوص تبیین آینده جهان از این ظرافت، ظرفیت و توانایی برخوردار هست که بتوان آن را در قالب دانش آینده‌پژوهی متداول نیز بیان نمود. با عنایت به این تفاوت که دانش آینده‌پژوهی به دلیل ابتدای آن بر دانسته‌های محدود بشری توان تصویرسازی از یک آینده قطعی و حتمی را ندارد؛ اما آینده‌پژوهی قرآن با اتکای آن به علم الهی خبر از یک آینده حتمی و قطعی می‌دهد و آن را در قالب یک آینده مطلوب و موعود بشارت داده است.

بنابراین نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان این گونه مطرح نمود:

۱. نگاه قرآن نسبت به آینده جهان و سرانجام تاریخ بشر نگاه خوش‌بینانه و فرجام خوش است. از منظر قرآن همان‌گونه که نظام تکوینی عالم بر خیر و حق و غلبه آن بر شر و باطل شکل گرفته است، فرجام تاریخ اجتماعی بشر نیز فرجام خوشایندی است که در آن عدالت بر ظلم، صلاح بر فساد و در کل حق بر باطل پیروز می‌شود. خداوند تحقق این آینده شکوه‌مند و فرجام نیک و نهانی جامعه بشری را به‌عنوان بخشی از سنت‌های خویش در قالب‌های گوناگون مطرح نموده است.

۲. آیات مربوط به آینده‌نگری در قرآن هرچند از لحاظ ظاهری و سیاق، مربوط به قضیه خاص هستند اما هیچ‌کدام در صدد بیان حکم خاص برای قوم و یا ملت خاصی نیستند، بلکه در صدد بیان یک قاعده و قانون کلی برای همه اعصار و قرون و همه اقوام و جمعیت‌ها هستند.

۳. اسلوب و روش خاصی که قرآن در تصویرسازی و تبیین آینده جهان به کار گرفته، از این ظرافت و ظرفیت برخوردار هست که برخی اصول آینده‌پژوهی از جمله رویداد شناسی و تحلیل روند را در تبیین آن به کار بست.

۴. گذشته تاریخی جوامع بشری حکایت از آن دارد که چنین جامعه‌ای در گذشته تحقق نیافته است و با توجه به قطعیت تحقق وعده‌های الهی، تحقق چنین جامعه‌ای در آینده تاریخ بشر قطعی و حتمی است. اما بدون شک مجرای تحقق آن مبتنی بر یکسری تحولات و دگرگونی‌های است که قبل از آن در جوامع بشری باید رخ دهد. از جمله باید تحول شگرف و بی‌نظیر اخلاقی رخ

دهد که در سایه آن ارزش های معنوی و انسانی در سر حد کمال خویش تجلی یافته تکامل عقلی و رشد علمی برای بشریت حاصل گردد. به گونه ای ظرفیت پذیرش ولایت معصوم و حاکمیت آن را برخوردار گردند. در چنین شرایطی است که آسمان و زمین خیرات و برکات خویش را بر اهل زمین عرضه نموده جامعه آرمانی قرآن شکل می گیرد.

چنانچه علامه طباطبائی نیز ذیل تفسیر وعده استخلاف تأکید بر همین مطلب دارد که «وعدۀ استخلاف در آیه، جز با اجتماعی که با ظهور مهدی علیه السلام بر پا می شود با هیچ مجتمعی قابل انطباق نیست و این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد؛ هرگز تا کنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبعوث به رسالت گشته تا کنون، چنین جامعه ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند؛ در روزگار مهدی علیه السلام خواهد بود؛ چون اخبار متواتری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اهل بیت علیهم السلام در خصوصیات آن جناب وارد شده؛ از انعقاد چنین جامعه ای خبر می دهد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۵: ۲۱۵).

منابع

قرآن کریم.

۱. سهیل، عنایت‌الله، ۱۳۹۵، پرسش از آینده، روش‌ها و ابزارهای تحول سازمانی و اجتماعی ترجمه، مسعود منزوی، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، چاپ دوم.
۲. شریف رضی، ۱۴۱۴، نهج البلاغه، لصباحی صالح، قم: هجرت.
۳. طباطبائی، محمد حسین، ۱۴۱۷، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴. قرائی، محسن، ۱۳۸۴، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
۵. قوام، زینب سادات، واعظی محمود، ۱۳۹۴، جایگاه آینده‌پژوهی در آیات و روایات، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۳۴.
۶. کارگر، رحیم، ۱۳۸۵، آینده جهان، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی.
۷. محدث نوری میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۸. مرادیان، محسن، ۱۳۸۸، تهدید و امنیت، تعاریف و مفاهیم، تهران: نشر ساقی، مرادیان، ۱۳۸۸.
۹. معین، محمد، ۱۳۸۵، فرهنگ فارسی معین، ج دوم.
۱۰. میرزایی، خلیل، بی‌تا، فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی، تهران: نشر فوژا.
۱۱. ابن ابی الحدید، عزالدین، ۱۴۱۸، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالکتب.
۱۲. مکارم شیرازی و جمعی از همکاران، ۱۳۸۴، تفسیر نمونه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی جامعه مدرسین.